به روایت تاریخ

در این ستون اخبار مربوط به حوادث گذشته در مطبوعات قدیم را با هم مرور خواهیم کرد.

۸۳ سال پیش در محله نوغان اتفاق افتاد

قاتل، سر مقتول را به‌خانه برد

هماسعادتمند| روزنامه آزادی در شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی در دو نوبت، خبر قتلی را در خیابان نوغان چاپ و منتشر می‌کند که تا آن روزگار نظیرش اتفاق نیفتاده بود، زیرا قاتل پس از اطمینان از مرگ مقتول، سرش را می‌برد، لباس‌های او را از تنش در می‌آورد سپس سر و لباس‌ها را با خودش می‌برد. در خبر دوم «آزادی» ماشاءا... نامی را که شاگرد قصابی بوده به عنوان قاتل معرفی می‌کند و ماجرای قتل را چنین شرح می‌دهد: «در شماره قبل خبر دادیم که در نوغان قتل فجیعی واقع (شده) و سر مقتول و لباس‌های او را برده‌اند. تمام دلائل کشف جرم را هم از بین برده‌اند، اما بر اثر فعالیت مأمورین شهربانی بالاخره روز دوشنبه قاتل را که ماشاءا... نام بوده و شاگرد قصابی است، دستگیر می‌کنند.»

ماشاءا... در جریان تحقیقات اقرار می‌کند که خودش سر مقتول را که محمد نام داشته و پینه‌دوز بوده، بریده است. سپس سر بریده را در لباس‌هایی که از تن مقتول درآورده، پیچیده و با خودش به خانه برده و در گوشه‌ای پنهان کرده است. در ادامه شهربانی به خانه ماشاءا... می‌رود و سر بریده را پیدا کرده و با خود به شهربانی می‌برد. جریده آزادی می‌نویسد: «قاتل که در زندان شهربانی به سر می‌برد، هنگامی که سر مقتول را دید، متأثر شد، سر را بوسید و ده ریال داد تا سر را دفن کنند.»

اما انگیزه ماشاءا... برای قتل محمد چه بوده است؟ پاسخ این است: «خوش خدمتی به اربابش حسین قصاب.» قاتل در خبرهایی که آزادی پس از اعترافش منتشر کرده، چنین گفته است: «به قرار و اظهار ماشاءا... (قاتل)، محمد (مقتول) که سابقه سرقت داشته است، هشت رأس گوسفند از حسین قصاب که ارباب ماشاءا... است، دزدیده و ماشاءا... به میل اربابش درصدد قتل برآمده و چنین فاجعه دهشتناکی را مرتکب شده است.»

قاتل زندانی می‌شود اما این قتل مردم محله نوغان را بسیار مضطرب می‌کند، آنچنان که آنان از شهربانی می‌خواهند ماشاءا... را در ملأعام اعدام کنند. نکته جالب اینکه گویا جایی که ماشاءا... سر محمد را بریده، کوچه باریک و تاریکی بوده که در سه سال گذشته، سه قتل دیگر هم در آن رخ داده است. آزادی می‌نویسد: «سکنه آن ناحیه که این قتل فجیع در آنجا اتفاق افتاده، در این چند روز مضطربند و تقاضا دارند هر چه زودتر تکلیف قاتل تعیین و در محل وقوع جنایت اعدام شود و دیگر اینکه شهرداری جلو آن کوچه مخوف متروک را که از چند سال قبل تاکنون سه قتل در آنجا واقع شده، دیوار بکشد و این قتلگاه را موقوف کند.»

اما ماجرای چگونگی به دام افتادن ماشاءا... قاتل، آخرین خبری است که جریده آزادی منتشر می‌کند و درباره آن چنین می‌نویسد: «طبق اطلاع واصل قضیه کشف قاتل به شکل عجیبی صورت گرفته است. بدین ترتیب که شب بعد از قتل، علی و علی‌اصغر پاسبانان گشتی شبانه بخش یک در بالاخیابان، سه نفر بچه لات را می‌بینند که در غیر موقع (بی‌وقت) دنبال عیش می‌گردند. ضمن سوالاتی که از آن‌ها می‌کنند، مظنون می‌شوند که ممکن است آن‌ها، در قتل شب قبل شرکت داشته باشند. لهذا آن‌ها را تحویل کلانتری داده و ضمن تحقیقات از آن ولگردها، رفقای آن‌ها (که ماشاءا... قاتل هم یکی از آن‌ها بوده است) دستگیر و ماشاءا... به عمل خود اعتراف می‌نماید و همان‌طور که طرز این قتل و از میان بردن آثار جرم از تبهکاری‌های کم‌نظیر است به این سرعت قاتل پیدا شدن دارای اهمیت است و باید کاشفین مورد تقدیر و پاداش شهربانی واقع شوند.»

روی خط حادثه

دستگیری یونیفرم‌پوشی که پلیس نبود

سهیل دیبا| توقف خودرو در حاشیه خیابان به خودی خود جرم نیست، اما وقتی یک مأمور با لباس انتظامی در این خودرو نشسته باشد، آن هم زمانی که ساعت اداری محسوب نمی‌شود و مأموران در این ساعات برای تردد با وسیله شخصی خود معمولا لباس خدمت را از تن خارج می‌کنند، آن قدر شک برانگیز بود که پای افسران گشت کلانتری شفا را شل کند تا برای بررسی موضوع وارد عمل شوند. فرد مظنون با دیدن افرادی که مدعی بود همکارانش هستند، خودش را از کارکنان پلیس آگاهی مشهد معرفی کرد. مأموران از او تقاضای مشاهده کارت شناسایی‌اش را کردند و با استعلام مشخصات وی معلوم شد اظهارات این فرد صحت نداشته و در واقع او یک مأمور نماست. این مأمور نما پس از انتقال به مقر انتظامی، به بزه ارتکابی به منظور کلاهبرداری از شهروندان اعتراف کرد و با تشکیل پرونده مقدماتی راهی دادسرا شد.

دستگیری معتاد خودروخوار!

شهرآرا| آن قدر در خماری غرق بود و از جامعه دور شده بود که تنها راه رسیدن به موادمخدر را در سرقت می‌دانست. او در جاده قدیم قوچان و حوالی بولوار توس به سراغ خودروهای مدل پایین می‌رفت و با شگردی مرموزانه بدون جلب توجه صندوق خودروها را باز می‌کرد و در چشم برهم‌زدنی هر کالایی را که می‌توانست، با خود می‌برد و صدای مالکان را درمی‌آورد. مأموران گشت کلانتری معراج در ردیابی این سارق، در حال گشت‌زنی در محدوده استحفاظی کلانتری خود بودند که متوجه رفتار شهروندی شدند که صندوق عقب یک پراید را بالا زده و برخلاف سایر مالکان خودروها به جای گذاشتن وسیله، در حال خالی‌کردن وسایل بود. این موضوع ظن مأموران را برانگیخت و برای بررسی موضوع به این خودرو در خیابان نجف نزدیک شدند، اما فردی که در کنار این خودرو بود با دیدن مأموران پا به فرار گذاشت. فرار این فرد چند ده متر دورتر نافرجام ماند و مأموران از کیسه‌ای که همراهش بود، تعدادی آچارآلات و یک عدد جک خودرو سرقتی کشف کردند. متهم پس از انتقال به مقر انتظامی در بازجویی‌های به عمل آمده و رویارویی با مستندات و ادله کشف شده به شانزده فقره سرقت لوازم داخل خودرو در محدوده بولوار توس و نجف اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

جزئیاتی از پرونده مرگ بلاگر معروف مشهدی که خودش را از طبقه هفتم یک ساختمان به پایین انداخت

سقوط سرخ از بام سبز

محمدجواد ابوعطا

گزارش

دقیقا مشخص نیست این بلاگر معروف در فضای مجازی که هر روز یک برند جدید لوازم‌آرایشی را برای پنجاه هزار طرف‌دارش در اینستاگرام تبلیغ می‌کرد، مشکلات زناشویی‌اش از کی شروع شده بود. اما آنچه مسلم است موضوع مرگ اوست که شامگاه چهارشنبه از طبقه هفتم برج لوکسی در بولوار صارمی مشهد خودش را به پایین انداخت و مقابل چشم همسرش به‌طرزی دل‌خراش جان سپرد.

«طلا.ش» یکی از بلاگرهای معروف فضای مجازی است که مرگش بازتاب گسترده‌ای داشته و گمانه‌زنی‌هایی نیز درباره مرگ این زن جوان به همراه داشته است. بررسی‌های خبرنگار شهرآرا نشان می‌دهد که این زن بر اثر سقوط از ارتفاع در حالی جان سپرده که واکاوی‌های قضایی، موضوع قتل را منتفی کرده است.

سقوط به کف خیابان

ماجرای این پرونده به چند روز قبل بازمی‌گردد که طلا با خودرو پژو ۲۰۷ خود وارد پارکینگ یک ساختمان هفت‌طبقه فوق لوکس در خیابان صارمی ۲۳ می‌شود. اما دقایقی بعد بر اثر سقوط از روف گاردن (بام سبز) این ساختمان درست کف خیابان کشته می‌شود.

اولین گروهی که برای بررسی موضوع وارد عمل می‌شوند و صدها فرد کنجکاو گوشی به دست را کنار می‌زنند، مأموران کلانتری هفت تیر مشهد هستند. مأموران با حضور در محل و مشاهده جسد غرق در خون این زن که اورژانس پزشکی نیز مرگ او را تأیید کرده بود، بلافاصله موضوع سقوط از ارتفاع را در حالی به بازپرس جنایی دادسرای مشهد اعلام می‌کنند که جمله «پرونده یک شاکی دارد» مقام قضایی را به محل وقوع حادثه می‌کشاند.

بلاگری که شناخته نمی‌شد

با حضور قاضی صادق صفری در محل و بررسی‌های اولیه موضوع سقوط او از ارتفاع تأیید می‌شود و با حضور روی پشت‌بام مشخص می‌شود که این زن در واقع خودش را از یکی از زیباترین پشت‌بام‌های ساختمان‌های شهر که دارای یک فضای سبز لاکچری بوده، به پایین انداخته و جان سپرده است.

از آنجا که این فرد بر اثر ضربه شدید به زمین چهره‌اش قابل شناسایی نبود، بررسی‌ها درباره هویتش آغاز و خیلی زود مشخص شد که او یک بلاگر شناخته شده در حوزه لوازم آرایشی بوده است. در همین میان با همکاری عوامل انتظامی همسر او نیز برای پرسش و پاسخ به مقام قضایی معرفی شد.

تعقیب و گریز زن و شوهری

مرد جوان که بر اثر این واقعه بی‌حال شده و در شوک بود، بعد از بهبود وضعیتش در برابر قاضی صفری اعلام کرد که مشکلاتی با همسرم داشتم و آن روز با توجه به ردیابی که از قبل روی خودرو پژو ۲۰۷ نصب کرده بودم، به تعقیب همسرم پرداختم تا اینکه وارد پارکینگ این ساختمان شد. بعد با او تماس گرفتم و موضوع را گفتم که دقایقی بعد این حادثه اتفاق افتاد.

بررسی محل حضور این زن در این ساختمان تیم جنایی را به طبقه دوم کشاند، خانه‌ای لوکس با سه اتاق خواب که هر اتاق یک تخت خواب دو نفره داشت. مأموران در حالی وارد این محل شدند که مردی خودش را در آنجا مخفی کرده بود. بررسی‌های بعدی نشان داد که او از آشنایان خانوادگی فرد جان‌باخته بوده و ارتباط خانوادگی با هم داشته‌اند. در ادامه این فرد تلاش کرد تا ارتباطش با طلا را یک ارتباط معمولی قلمداد کند و مدعی شد که این خانه متعلق به یکی از دوستانش است که در کانادا زندگی می‌کند و به او سپرده تا گاهی به خانه سر بزند. وقتی طلا به من زنگ زد و گفت با شوهرش به مشکل خورده و با هم دعوا کرده‌اند، من در این خانه بودم و از او خواستم تا اینجا بیاید و صحبت کنیم. وقتی رسید هنوز چند دقیقه نگذشته بود که شوهرش زنگ زد و گفت او را تعقیب کرده و الان جلو ساختمان است. طلا از پنجره بیرون را نگاه کرد و مطمئن شد که همسرش آنجاست و بلافاصله از خانه بیرون رفت که فکر کردم به پارکینگ رفته تا با خودرو از ساختمان خارج شود. اما چند لحظه بعد صدای سقوطش را شنیدیم و فهمیدیم خودش را از روف‌گاردن به پایین انداخته است.

عکس: شهرآرا

حادثه، جنایت نبوده است

تحقیقات تیم جنایی با حضور کارشناسان پزشکی قانونی در محل نشان داد که هیچ آثاری از درگیری روی جسد وجود ندارد و نبود هیچ مدرکی که نشان دهد کسی او را از پشت‌بام به پایین پرت کرده، تیم جنایی را مطمئن کرد که با یک پرونده خودکشی روبه‌رو هستند. البته با توجه به شکایت شوهر متوفی و موضوع منافی عفت، مرد طبقه دوم دستگیر و به همراه پرونده‌اش به دادگاه کیفری یک تحویل شد تا به پرونده رسیدگی شود اما هیچ اثری که نشان دهد این واقعه یک جنایت بوده پیدا نشد و قاضی صفری دستور انتقال پیکر متوفی به پزشکی قانونی را صادر کرد تا آزمایش‌های مربوط به سم‌شناسی آن آماده شود و مشخص شود این بلاگر معروف در لحظه خودکشی تحت تأثیر داروی خاصی بوده است یا خیر.

دستگیری ۳ قاچاقچی با معده‌هایی پر از هروئین

خبر

بخشنده| سه قاچاقچی موادمخدر تصمیم داشتند برای واردکردن موادمخدر به کشور شگرد خطرناکی را امتحان کنند، شگردی که تاکنون جان تعدادی از قاچاقچیان موادمخدر را گرفته است. این افراد ده‌ها بسته حاوی هروئین را بلعیدند و هرکدام جداگانه به‌سمت مرز کشورمان به راه افتادند، تا اینکه هر سه نفرشان در همان ایست بازرسی اولیه مرزبانان هنگ مرزی تایباد شناسایی و دستگیر شدند. در این پرونده که در روزهای گذشته به نتیجه رسید، وقتی این اتباع کشور افغانستان از مرز تایباد با فاصله زمانی وارد خاک کشورمان شدند، در بازرسی بدنی از وسایل آن‌ها چیزی کشف نشد، اما مرزبانان باتجربه هنگ مرزی تایباد که به آن‌ها مشکوک شده بودند، به تجسس دقیق آن‌ها پرداخته که در نتیجه آن مشخص شد این افراد ۲۰۹ بسته آب‌بندی

شده حاوی موادمخدر را در معده خود انبار کرده‌اند.

سرهنگ محمد محمودی، فرمانده هنگ مرزی تایباد، درباره این پرونده گفت: مرزبانان هنگ مرزی تایباد در ایست بازرسی هفده شهریور موفق شدند در طی چند عملیات جداگانه از سه تبعه خارجی دو کیلو و ۳۴۴ گرم هروئین پودری بلعیده شده را کشف و ضبط کنند.

عجله راننده، منجر به مرگ پاکبان فداکار شد

خبر

جلائیان| دیروز صبح زود، مانند تمامی سال‌های خدمتش با همان لباس ساده پاکبانی برای نظافت کوچه و خیابان‌های شهر از خانه بیرون رفت. «موسی شیرویه» با همان دقت همیشگی خود به نظافت کنارگذر بزرگراه شهید میرزایی مشغول بود که صدای برخورد یک پژوپارس با آیلند میانی و بشکه‌های ترافیکی را که در چند قدمی او قرار داشتند، شنید. به دلیل سرعت خودرو همه چیز آن قدر سریع اتفاق افتاد که این پاکبان پنجاه و سه ساله فرصت واکنش در مقابل خودرویی را که با سرعت زیاد به سمتش می‌آمد، پیدا نکرد و پس از برخورد با خودرو جان باخت.

«موسی شیرویه» که دختر جوان دارد، بیشتر از شانزده سال خدمتش را در کوچه پس کوچه‌های محلات منطقه ۳ شهرداری که محل سکونتش نیز در آن بود گذرانده است. این حادثه اوایل صبح دیروز ساعت ۵:۴۰ در کنارگذر شهید میرزایی اتفاق افتاد و راننده پژو پارس، این پاکبان مشهدی را زیر گرفت. طبق گزارش اولیه پلیس راهور، راننده پژو به دلیل سرعت زیاد و ناتوانی

در کنترل خودرو با مرحوم شیرویه برخورد می‌کند و به علت شدت جراحات، این پاکبان در دم جان باخت. به دنبال این حادثه، محمدرضا قلندرشریف، شهردار مشهد، با انتشار پیامی نوشت: «باز هم بی‌احتیاطی و سرعت زیاد یک راننده، حادثه تلخ و تأسف‌برانگیزی را رقم زد، خانواده‌ای را عزادار کرد و یکی از شریف‌ترین و سخت‌کوش‌ترین همکارانمان در شهرداری را در این سانحه از دست دادیم. درگذشت این پاکبان فداکار را به خانواده بزرگوارش از صمیم قلب تسلیت می‌گویم.»

کارآگاهان پلیس، راز قطع برق مکرر مناطق شرقی مشهد را کشف کردند

سرقت‌های کلان پدرپسری

خبر

مهدی قرآنی| همسایگان تا به خودشان بیایند و موضوع را به پلیس اطلاع دهند، نه خبری از دزدها بود و نه خبری از سیم و کابل‌هایی که با خود برده بودند. آنچه در این میان وجود داشت، خاموشی طولانی‌مدت محله‌هایی بود که سارقان کابل‌های جریان برق آن را قطع کرده و در تاریکی هوا غیب شده بودند. ضرر و زیان هنگفتی که سارقان روی دست شبکه خانگی برق می‌گذاشتند و تا مجریان قانون سر برسند، فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند.

تحقیقات این سرقت‌های سریالی با توجه به موقعیت جغرافیایی وقوع جرم، در اختیار کارآگاهان پایگاه شرق پلیس آگاهی مشهد قرار گرفت و ضابطان قضایی با دستور جانشین فرماندهی انتظامی استان پا به میدان عمل گذاشتند. موضوعی که با راهنمایی‌های سردار احمد نگهبان خیلی زود به نتیجه رسید و مجریان قانون توانستند با بررسی‌های میدانی، ردی از متهم اصلی این پرونده را به دست آورند.

کارآگاهان پلیس هویت عامل ده‌ها فقره سرقت سیم کابل برق در مناطق شرقی مشهد را با استفاده از تصاویر چند دوربین مداربسته شناسایی و او را ردزنی کردند. متهمی که از سارقان سابقه‌داری است که مأموران قانون چندی است در پی یافتن او هستند.

کنترل نامحسوس کارآگاهان پلیس در محل‌های تردد این مرد جوان نتیجه می‌دهد و این شخص در زمان ورود به مخفیگاهش دستگیر می‌شود. در این میان ضابطان قضایی سه همدست دیگر این شخص را که در همان محل حضور داشتند، دستگیر می‌کنند و به مقر فرماندهی خود انتقال می‌دهند. در جلسه بازجویی از چهار متهم به دام افتاده مشخص می‌شود که آن‌ها دو به دو پدر و پسر هستند. علاوه بر این یکی از پسرها داماد خانواده متهمان دیگر نیز هست که مأموران در همان تحقیقات اول به این اطلاعات دست یافتند.

مجریان قانون در بازرسی از مخفیگاه این سارقان ادوات مخصوص سرقت کابل‌های برق فشار قوی را کشف و ضبط کردند. به گفته جانشین رئیس پلیس استان، متهمان در بازجویی‌های به عمل آمده و در رویارویی با ادله و مستندات کشف شده تاکنون به ۳۹ فقره سرقت کابل‌های برق فشار قوی در محدوده شرق شهر مشهد و فروش اموال مسروقه به یک مال‌خر اعتراف کرده‌اند.

سردار نگهبان افزود: در تحقیقات تکمیلی این پرونده مشخص شد اعضای این باند بالغ بر ۲۷ میلیارد ریال خسارت به تأسیسات شرکت برق وارده کرده‌اند. پرونده این متهمان بیست و پنج، سی و پنج، پنجاه و پنجاه و پنج ساله برای سیر مراحل قضایی در اختیار دادسرا قرار گرفت.

جدول ۴۰۱۰

مادربزرگ / محکمه / جنگی		کم‌ارزش / بلندمرتبه		پروردگار / مکان پرازنی		حسگر الکترونیکی / دریا		میوه قرمز / چوب شکسته‌بندی		رفیق خار / واسطه احضارروح		برگ‌خرما / اول سگ فضانورد		خوش‌خلق / درس انگلیسی		طلا / چله‌کمان / معاون‌هیتلر	
امانت																			
						زورگو / مفرد						دریغ / خیس						مغموم	
								محصولات محلی / سودای‌ناله						ساز مثنوی / بنیان				شکم‌بند / بوالهوس	
		نواوری / به‌خدمت گرفتن								نویسنده اسپانیایی یرما						جرات / خدای سنگی			
		قشر / تعمیرکار خودرو						مظهر نرمی				حیوان نجیب				پایداری بر پیمان / ژله‌پترولیوم			
سوندجمع / زهر / بالش				گوشت / ترکی															
						شدنی										اجاق‌برقی / خانه ترکمن		برچسب هزینه نامه	
پایان دهنده / آلیاژ آهن																			
				آخرین / رمق												مساوی / ضرورت			
الان / ممکن‌بودن																		عضوصورت	
																چه‌کسی؟ / کمیاب			

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹
پاسخ ۴۰۰۹